



Obligation to Restoration of Water Resources and Facilities and Compensation of Victims after Armed Conflicts in International Law

M. Fazaeli^{1*} and M. Rashidi²

Abstract

Due to the increasing process of water shortage in the world, State's competition for more access to water has increased; as water has sometimes been a source of international conflicts. On the other hand, water and water facilities have always been used as weapons or as military targets in wars. The issues of preventing water wars have been indirectly addressed by the legal rules on the use of force and the protection of water resources during armed conflicts have been sought in international humanitarian law. In the post armed conflicts, problems such as damage to water infrastructures, pollution of waters and lack of access to safe drinking water in war-affected areas, threaten not only the availability and quality of water resources, but also, they can threaten international peace and security in different ways. Due to the importance of conserving water resources for peacekeeping in post-war stage and the lack of explicit legal rules in this regard, the main question of this research is that what is the most international law obligations about restoration of water resources and facilities after armed conflicts and compensation for victims? The result of the descriptive-analytical studies of the authors shows that international law has no legal vacuum in this regard and mechanisms and rules for reconstruction of damaged areas and accountability to war victims can be deduced from the principles and rules of applicable international law.

Keywords: Water, Reconstruction, Accountability, International Law, Armed Conflict.

Received: December 14, 2019

Accepted: April 4, 2020

تعهد به ترمیم منابع و تأسیسات آبی و جبران خسارات زیان دیدگان، پس از مخاصمات مسلحانه در حقوق بین الملل

مصطفی فضائی^{۱*} و مهناز رشیدی^۲

چکیده

در پی روند فزاینده کم‌یابی آب در جهان، رقابت بر سر دستیابی بیشتر به آب میان کشورها فزونی یافته است. چنان‌که آب گاهی به منشأی برای بروز تعارضات بین‌المللی بدل می‌شود. از طرفی، آب و تأسیسات آبی همواره در جنگ‌ها به عنوان سلاح و یا به عنوان اهداف نظامی مورد استفاده قرار گرفته‌اند. پیشگیری از جنگ‌های آبی موضوع قواعد حقوقی توسل به زور است و حفاظت از منابع آب در حین مخاصمات در حقوق بشردوستانه بین‌المللی مورد نظر واقع شده است. در مرحله پس از مخاصمات مسلحانه، مشکلاتی از قبیل آسیب به زیرساخت‌های آبی، آلودگی آب‌ها و عدم دسترسی به آب آشامیدنی سالم مردم مناطق جنگ‌زده، نه تنها موجودیت و کیفیت منابع آبی را خدشه‌دار می‌کند بلکه می‌تواند به طرق مختلف صلح و امنیت بین‌المللی را تهدید نماید. بنا به اهمیت حفاظت از منابع آبی پس از جنگ‌ها در امر صلح‌سازی و نبود قواعد حقوقی صریح در این موضوع، پرسش اصلی تحقیق آن است که مهم‌ترین تعهدات حقوق بین‌الملل در موضوع ترمیم منابع و تأسیسات آبی پس از مخاصمات مسلحانه و جبران خسارت قربانیان چیست؟ نتیجه برآمده از مطالعات توصیفی-تحلیلی نگارندگان مؤید آن است که حقوق بین‌الملل در این زمینه هرچند تاکنون به قواعد خاص و مقررات تفصیلی دست نیافته است لیکن با خلأ مواجه نبوده و می‌توان به مدد اصول و موازین عام حقوق بین‌الملل موضوعه، تعهدات و سازکارهایی را به منظور بازسازی مناطق آسیب‌دیده و پاسخگویی در مقابل قربانیان جنگ استنباط نمود.

کلمات کلیدی: آب، بازسازی، پاسخگویی، حقوق بین‌الملل، مخاصمات مسلحانه.

تاریخ دریافت مقاله: ۹۸/۹/۲۳

تاریخ پذیرش مقاله: ۹۹/۱/۱۶

1- Associate Prof., Department of International Law, Faculty of Law, University of Qom, Qom, Iran. Email: m.fazaveli@qom.ac.ir, fazaeli2007@gmail.com

2- Ph.D. Graduate of International Law, Department of International Law, Faculty of Law, University of Qom, Qom, Iran. Email: mahnazrashidi88@gmail.com

*- Corresponding Author

۱- دانشیار گروه حقوق بین‌الملل، دانشکده حقوق، دانشگاه قم، قم، ایران.

۲- دانش‌آموخته دکتری حقوق بین‌الملل، دانشکده حقوق، دانشگاه قم، قم، ایران.

*- نویسنده مسئول

بحث و مناظره (Discussion) در مورد این مقاله تا پایان تابستان ۱۳۹۹ امکانپذیر است.

منابع آبی و جبران خسارات قربانیان در مرحله زمانی پس از مخاصمات مسلحانه فعال، بر اعضای جامعه بین‌المللی بار می‌کند چیست؟ در پاسخ به این سؤال فرضیه اصلی آن است که اگرچه حقوق بین‌الملل به صورت منسجم و در قالب یک سند حقوقی مجزا به تعهدات دولت‌ها و دیگر نهادهای بین‌المللی در دوره پس از مخاصمات مسلحانه، به ویژه در موضوع خاص حفاظت از منابع و تأسیسات آبی نپرداخته است؛ اما این بدان معنا نیست که تابعان حقوق بین‌الملل در این مرحله هیچ‌گونه تعهدی ندارند. بلکه در دوره پس از جنگ نخستین اقدام لازم، ترمیم و احیای منابع و تأسیسات آبی آسیب‌دیده است و از سوی دیگر، برای برقراری عدالت لازم است دولت‌ها و افرادی که قواعد حمایت از آب‌ها را در طول جنگ نقض کرده‌اند، در این زمان، در مقابل قربانیان و دولت‌های زیان‌دیده پاسخگو باشند. برای اثبات این فرضیه، جستار پیش‌رو، با مطالعه‌ی توصیفی-تحلیلی بر مبنای داده‌های کتابخانه‌ای کوشیده است ضمن اثبات وجود تعهد دولت‌ها در مرحله پس از جنگ، ابعاد اصلی موضوع را، در دو مبحث کلی: تعهد به بازسازی و تعهد به پاسخگویی، مورد تحلیل و بررسی قرار دهد.

۲- مبنای تعهد دولت‌ها در مرحله پس از جنگ

امروزه صلح تنها به معنی نبود وضعیت جنگ نیست؛ بلکه به معنی نبود احتمال تعارضات خشونت‌بار است (Swain, 2015). از این رو، انجام اقدامات لازم برای حذف احتمال جنگ و یا بازگشت به آن، در مرحله زمانی پس از مخاصمات مسلحانه فعال، به منظور حذف عوامل ریشه‌ای جنگ و برقراری شرایط صلح و ثبات پایدار ضرورت دارد. این اقدامات با عنوان «صلح‌سازی»^۱ شناخته می‌شوند. علی‌رغم آنکه ضرورت انجام اقداماتی برای صلح‌سازی در مرحله پس از مخاصمات به خوبی احساس می‌شود؛ اما هیچ اصل و قاعده صریح الزام‌آوری در این باره در حقوق بین‌الملل موجود نیست. در این میان برخی اندیشمندان از لزوم طرح مفهومی به نام «حقوق پس از جنگ»^۲ یاد کرده‌اند و آن را مجموعه قواعدی می‌دانند که به تنظیم رفتار تابعان حقوق بین‌الملل در مرحله گذار از جنگ به سوی صلح اختصاص دارد (Stahn, 2008). ترمیم و احیای منابع آبی تخریب شده در جنگ و نیز جبران زیان‌های قربانیان این حوزه، از موضوعات چنین حقوقی است. اما به رغم اختلاف نظر در باره لزوم شکل‌گیری چنین مجموعه قواعدی و جایگاه آن در بدنه حقوق بین‌الملل، تلاش می‌شود با استفاده از قواعد به رسمیت شناخته شده حقوق بین‌الملل، تعهدات دولت‌ها در فرآیندهای صلح‌سازی به ویژه در رابطه با ترمیم و احیای منابع آبی اثبات شود.

محدودیت منابع آبی و نیاز روزافزون بشر به این ماده حیاتی همراه با دیگر عوامل اثرگذار بر کمیت و کیفیت منابع آبی، دستیابی و دسترسی به آب کافی مورد نیاز برخی کشورها را با چالش مواجه ساخته و زمینه تبدیل سامانه‌های آبی به یک مقوله سیاسی-امنیتی را فراهم آورده است (Ghoreishy et al., 2019). این وضعیت باعث طرح نظریاتی در خصوص ارتباط تنگاتنگ آب با صلح و امنیت بین‌المللی شده است. چنان‌که بنا بر پیش‌بینی برخی اندیشمندان سیاسی، در آینده‌ای نه چندان دور تلاش برای دسترسی بیشتر به آب، محرکی برای ایجاد جنگ‌های آینده خواهد بود (Dolatyar & Gray, 2000). اگرچه در مقابل، دیدگاهی خوش‌بینانه وجود دارد که معتقد است کمیابی آب شیرین نه تنها عاملی برای وقوع جنگ نمی‌باشد بلکه موجب تقرب و همکاری بیشتر دولت‌ها با یکدیگر می‌شود (Smith, 2011). در میان این نظریه‌ها، واقعیات جامعه بین‌المللی حاکی از این امر است که در برخی موارد، مسائل آبی می‌تواند حداقل یکی از عوامل ایجاد جنگ‌ها باشد. چنان‌که یکی از دلایل شروع ناآرامی‌ها در سوریه و نهایتاً توسعه آن به سطح مخاصمات مسلحانه از کم‌آبی و نارضایتی مردم از این مسأله ناشی می‌شد (Mashhadi, 2018; Mianabadi, 2016). به علاوه، اهمیت آب موجب شده متخاصمین در طول جنگ‌ها نیز از نقش مهم این ماده حیات بخش در نیل به اهداف سیاسی و نظامی خود غافل نشوند و از آن به عنوان هدف، سلاح و یا تاکتیک جنگی بهره‌گیرند.

اما آنچه اغلب در اسناد، رویه و دکترین‌های حقوقی بین‌المللی مورد غفلت واقع شده، ضرورت توجه به مسائل آبی در مرحله پس از مخاصمات مسلحانه و فرآیندهای صلح‌سازی است که از دیگر ابعاد رابطه آب و صلح و امنیت بین‌المللی می‌باشد؛ زیرا در این مرحله، اثرات منفی آسیب‌های ناشی از جنگ مانند تخریب زیرساخت‌ها، تغییر مسیر رودها، آلودگی منابع آبی و آسیب به جمعیت‌های غیرنظامی در جهت تأمین آب مورد نیاز برای آشامیدن، بهداشت و غیره، به مرحله بروز می‌رسد. از این رو، با توجه به نقش انکارناپذیر آب در زمینه ابعاد گوناگون امنیت انسانی مثل بهداشت، توسعه، محیط زیست، اقتصاد و انرژی، مطالعه قواعد و سازوکارهای حقوق بین‌الملل برای ترمیم منابع و تأسیسات آبی آسیب‌دیده ضرورت دارد و هم‌اینکه لازم است درجه پاسخگویی ناقضان قواعد حقوقی در مقابل اقدامات نامشروع صورت گرفته در حین جنگ‌ها و جبران خسارت از قربانیان پس از مخاصمات مسلحانه مورد ارزیابی قرارگیرد؛ امری که تاکنون در ادبیات حقوقی فارسی مغفول مانده است. بنابراین سؤال اصلی این پژوهش آن است که مهم‌ترین تعهداتی که حقوق بین‌الملل در زمینه حفاظت و ترمیم

هر چند تعهدات اولیه مستقیم حمایتی از منابع و تأسیسات آبی در حقوق بشردوستانه اندک است اما، از طریق اصول و قواعد عام حقوق بشردوستانه و نیز قواعد حمایت از محیط زیست، می‌توان تعهد دولت‌ها به حمایت از منابع و تأسیسات آبی را به اثبات رساند. از این رو، دولت‌های متخاصم که در طول مخاصمه، این تعهدات اولیه را نقض نموده‌اند و در اثر آن به منابع و تأسیسات آبی صدمه زده‌اند، لازم است با ترمیم و احیای آنها، وضعیت را به حال سابق برگردانند و برای صدمات غیرقابل بازگشت، پاسخگو بوده و غرامت پرداخت کنند. به همین دلیل تعهد دولت‌ها در مرحله پس از جنگ به خصوص در رابطه با ترمیم زیرساخت‌های آبی و جبران خسارت قربانیان را می‌توان از قواعد مبنایی حقوق مسئولیت بین‌المللی استنباط کرد. بر اساس اصول حقوق مسئولیت بین‌المللی هر دولت متعهد به جبران کامل خسارت ناشی از عمل متخلفانه بین‌المللی خود است. کامل‌ترین شیوه جبران خسارت با اعاده وضع به حال سابق ممکن می‌شود؛ اما، اگر بازگشت به وضعیت سابق ممکن نبود، اقداماتی مثل پرداخت غرامت، تشریف خاطر بزه‌دیده و عذرخواهی رسمی امکان‌پذیر است (ILC, 2001). هم‌چنین در صورتی که همه یا برخی از این اقدامات در زمره جنایات بین‌المللی یعنی جنایت علیه بشریت، نسل‌کشی، جرایم جنگی و تجاوز قرار گیرد، مرتکبان وفق حقوق بین‌الملل کیفری مشمول مسئولیت کیفری خواهند بود.

نظر به اینکه آب از مهم‌ترین عناصر جهان هستی است که تأمین سایر حقوق بشری مثل حق بر حیات، سلامتی، غذا و غیره، در گروهی دسترسی به آن است و تعهدات حقوق بشری نیز تعهدی عام‌الشمول بوده که همه دولت‌ها متعهد به تأمین و تضمین آنها می‌باشند، لازم است دیگر دولت‌ها و نهادهای بین‌المللی در صورت درخواست دولت جنگ‌زده، در حد توان، به آن دولت در بازسازی زیرساخت‌های آبی کمک نمایند. ضرورت مشارکت سایر دولت‌ها در فرآیند صلح‌سازی را می‌توان بر مبنای تفسیر پویا از منشور سازمان ملل متحد نیز به دست آورد. متن منشور ملل متحد به مثابه قانون اساسی جامعه بین‌المللی در خصوص تعهد به صلح‌سازی مقررهای را مطرح نمی‌کند؛ اما، این سند تاب این تفسیر را دارد که به سازمان ملل و اعضای آن اجازه دهد اقدامات لازم برای پایان دادن به جنگ و ایجاد صلح پایدار را انجام دهند؛ زیرا انجام اقدامات ضروری برای تحکیم صلح جهانی و حصول همکاری در حل مسایل بین‌المللی که دارای جنبه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی یا بشردوستی است در اهداف مندرج در ماده ۱ منشور بازتاب یافته است (Schaller, 2009). دبیرکل اسبق سازمان ملل، پطروس گالی نیز در «دستور کار صلح» خود در سال ۱۹۹۲ برای نخستین بار مفهوم صلح‌سازی پس از جنگ را مطرح کرد (UN Secretary-General, 1992) و از آن زمان این مفهوم مکرراً توسط

نهادهای دیگر سازمان ملل به ویژه شورای امنیت مورد تأکید قرار گرفته‌است. از مهم‌ترین دستاوردهای سازمان ملل در این راستا ایجاد کمیسیون صلح‌سازی در سال ۲۰۰۵، اداره حمایت از صلح‌سازی در دبیرخانه سازمان ملل و ایجاد صندوق صلح‌سازی است. هم‌اکنون، فرآیندهای صلح‌سازی سازمان ملل معمولاً با کسب رضایت دولت جنگ‌زده و یا در مواردی به دستور شورای امنیت در ذیل فصل هفتم وارد عمل می‌شوند. اولویت‌های فرآیندهای صلح‌سازی در هر کشور متفاوت است اما فراهم کردن خدمات ابتدایی از جمله تأسیسات آبرسانی یکی از بیشترین مواردی است که از این فرآیندها در مرحله پس از مخاصمه درخواست می‌شود (Peacebuilding Support Office, 2010). لازم به ذکر است که در بسیاری از فرآیندهای صلح‌سازی، معمولاً به مسائل زیست‌محیطی جوامع شکننده و جنگ‌زده توجه کافی نمی‌شود، در حالی که بسیاری از عوامل خشونت‌زا و شکست در این فرآیندها ناشی از نادیده گرفتن موضوعات زیست‌محیطی است. همین مسأله در جوامع جنگ‌زده می‌تواند اقدامات سخت صلح، سازش، نهادسازی‌های سیاسی و بازسازی اقتصادی را پیچیده کند (Coca, 2006). در همین راستا چگونگی مدیریت منابع طبیعی مهم و مبنایی، به ویژه آب، در فرآیند صلح‌سازی نقش مهمی ایفا می‌کند. کمیسیون حقوق بین‌الملل نیز در بین دلایل خود برای در دستور کار قراردادن موضوع حمایت از محیط زیست در مخاصمات مسلحانه بیان داشت که چشم‌انداز حقوق بر جنگ و حقوق در جنگ که از منظر آن به مسائل نگریسته می‌شود بسیار محدود است (ILC, 2011). به همین دلیل، ضرورت طرح تعهدات دولت‌ها به عنوان مهم‌ترین تابعان حقوق بین‌الملل، پیرامون رفع مشکلات زیست‌محیطی و به ویژه منابع و زیرساخت‌های آبی، در زمان پس از جنگ احساس می‌شود.

از آنچه گذشت، این نتیجه حاصل می‌آید که مطابق قواعد عام حقوق مسئولیت بین‌المللی، حقوق بین‌الملل کیفری، حقوق بین‌الملل بشر و نیز اصل اساسی همکاری مندرج در منشور، مهم‌ترین تعهد دولت‌ها در این بازه زمانی تعهد به بازسازی زیرساخت‌های آبی در جهت اعاده وضع به حال سابق و تضمین حقوق بشر و نیز مسئولیت متخلفان به منظور بلاجبران نمودن خسارات وارده است.

۳- تعهد به بازسازی و ترمیم منابع آبی در مرحله پس از جنگ

تعهد به بازسازی شامل مجموعه اقداماتی است که توسط متخاصمان و دیگر دولت‌ها و نهادهای ذی‌ربط برای کاهش آسیب‌های ناشی از جنگ، احیا و ترمیم زیرساخت‌های آسیب‌دیده، تسکین آلام قربانیان و

کمک به آنها در جهت بازگشت به شرایط عادی زندگی باید انجام شود. چنان که گفته شد این تعهد در مورد دولت ناقض تعهدات بین‌المللی ریشه در موازین مسئولیت بین‌المللی دولت داشته و در خصوص سایر دولت‌ها و بازیگران بین‌المللی از اصل همکاری، تعهد به برقراری صلح و ثبات و تضمین حقوق بشر، به نحو مقرر در منشور ملل متحد، ناشی می‌شود. عمده‌ترین اقدامات لازم در این حوزه شامل اعطای کمک‌های بشردوستانه، انجام همکاری‌های زیست محیطی، بازسازی منابع و تاسیسات آبی و پاک‌سازی بقایای سلاح‌ها است.

۳-۱- کمک بشردوستانه در راستای بازسازی و ترمیم منابع آبی

لزوم اعطای کمک بشردوستانه از حق حیات و حق به سطح مناسب زندگی ناشی می‌شود. در این که دولت‌ها تعهد به احترام و بیش از آن، تضمین احترام به حقوق بشر به ویژه حق حیات همه افراد در داخل سرزمین و تحت صلاحیتشان را دارند، هیچ تردیدی نیست. این نه فقط بدین معنی است که دولت‌ها باید از نقض مستقیم تعهدات حقوق بشری خودداری کنند، بلکه موظف هستند همه اقدامات ضروری برای تضمین عدم سوء استفاده از این حقوق را اتخاذ کنند. وظیفه تضمین حقی اساسی مثل حق حیات، که دسترسی به آب سالم از شروط لاینفک آن است، دولت را در مقام ضامن قرار می‌دهد به نحوی که در موقع ترک فعل آگاهانه، دولت می‌تواند برای هر زیان وارده به حیات شهروندان مسئول باشد. این وظیفه در شرایط بحرانی و اضطراری نیز بر جای خود باقی می‌ماند. اقدامات مثبتی که در وضعیت‌های بحرانی مثل جنگ و بلایای طبیعی، در مورد رعایت حق حیات وجود دارد این است که دولت‌ها تضمین نمایند جمعیت آسیب‌دیده از حیث فراهم بودن کالاها و خدمات ضروری بقا تأمین هستند (Stoffels, 2004). فراهم کردن این کمک‌ها نه تنها در طول مخاصمه لازم است، بلکه ضرورت تأمین نیازهای اولیه برای معیشت غیرنظامیان آسیب‌دیده از جنگ، اعطای کمک بشردوستانه پس از جنگ را نیز می‌طلبد. مسئولیت فراهم کردن کمک بشردوستانه برای ساکنان کشور جنگ‌زده، در زمان پس از جنگ، از باب تعهد به اعاده وضع به حال سابق بر عهده دولت متخلف است. زیرا این دولت به دلیل اقدامات غیرقانونی خود در نقض قواعد حقوق بشر و بشردوستانه موظف به جبران آسیب وارده است. در عین حال دولتی که بر سرزمین و مردم آسیب دیده حکومت دارد نیز متعهد به تأمین مایحتاج اولیه شهروندان و از جمله رفع نیازهای آبی آنهاست؛ زیرا اغلب در دوره زمانی پس از جنگ‌ها، تعیین دولت متخلف، حدود مسئولیت و چگونگی جبران خسارت، فرآیندی زمان‌بر است. بنابراین دولت سرزمینی در طول این مدت، وظیفه تأمین نیازهای اولیه ساکنان سرزمینش را عهده‌دار است

و در صورتی که این دولت ناتوان از تأمین نیازهای مردم ساکن در سرزمین خود باشد و یا تمایلی به فراهم کردن مایحتاج اولیه آنها مثل غذا، لباس، سرپناه و غیره نداشته باشد، این مسئولیت بر عهده جامعه بین‌المللی قرار می‌گیرد (Tignino, 2016). زمانی که کمک بشردوستانه بین‌المللی ضرورت می‌یابد اولویت در اعطای این کمک‌ها با نهادهای بین‌المللی مثل سازمان‌های بین‌الدولی یا غیردولتی است تا اینکه اولویت به دولت ثالثی داده شود (Tignino, 2016). مطابق با توسعه‌های جدید در حقوق بین‌الملل، دولت سرزمینی مکلف به قبول کمک‌های بشردوستانه‌ای است که دارای ویژگی‌های بی‌طرفانه، بی‌غرضانه و بدون تبعیض باشند (ICJ Rep, 1986). اهمیت اساسی آب در حیات و بقای بشر موجب گشته تأمین آب کافی و سالم در بازه زمانی پس از مخاصمه بر عهده دولت سرزمینی قرارگیرد و اگر آن دولت ناتوان از اجرای این تعهد خود شود، مکلف است از جامعه بین‌المللی درخواست کمک نماید و یا پیشنهاد کمک از سوی آنها را بپذیرد.

یکی از نهادهای مهمی که در طول و پس از مخاصمات در فراهم کردن آب و دیگر مایحتاج مردم سرزمین‌های طرف مخاصمه فعالیت قابل توجهی داشته کمیته بین‌المللی صلیب سرخ است که از طریق تأسیس نهاد «آب و اسکان»^۳ در سال ۱۹۸۳ اقدامات خود در زمینه آب را نهادینه کرد (ICRC, 2013). حوزه فعالیت کمیته بین‌المللی صلیب سرخ فقط حول محور وضعیت‌های اضطراری قرار نمی‌گیرد، بلکه فعالیت‌های طولانی مدت مثل ترمیم و بازسازی شبکه‌های آبرسانی را نیز پوشش می‌دهد (Tignino, 2016). برای مثال نهاد آب و اسکان کمیته، در مخاصمات دارفور سودان در رسانیدن منابع آبی به مناطق روستایی بسیار موفق عمل کرد (ICRC, 2013). همچنین اقدامات کمیته بین‌المللی صلیب سرخ در حوزه آب در مرحله زمانی پس از مخاصمه می‌تواند ناظر بر اقدامات پیشگیرانه و درمانی مربوط به بیماری‌های واگیر وابسته به آب باشد (See: ICRC, 2009). این نهاد در تلاش‌هایش برای تأمین منابع آبی با دیگر نهادهای بین‌المللی مثل یونسف، کمیساریای عالی سازمان ملل برای پناهندگان، سازمان‌های غیردولتی مثل پزشکان بدون مرز، اکسفام و غیره نیز همکاری می‌کند. دولت‌های طرف مخاصمه نه تنها نباید مانعی بر سر راه اینگونه اقدامات ایجاد کنند بلکه به جهت اجرا و تضمین حقوق بشر غیرنظامیان ساکن در مناطق تحت حاکمیت خود و شهروندان کشورهای متخاصم، مکلفند با چنین نهادهای بین‌المللی همکاری لازم را داشته باشند؛ در غیر این صورت می‌توان آنها را به دلیل نقض عامدانه حقوق بشر شهروندان غیرنظامی، به ویژه حق حیات، دارای مسئولیت بین‌المللی دانست. هم‌چنین گزارش دوم گزارشگر خاص کمیسیون حقوق بین‌الملل در موضوع حمایت از محیط زیست در مخاصمات

مسلحانه (۲۰۱۹) که هم‌اکنون در دستور کار کمیسیون حقوق بین‌الملل قرار دارد در پیش‌نویس اصل ۱۴ مقرر داشته که طرفین درگیری در مخاصمات مسلحانه باید به عنوان بخشی از روند صلح، به مسائل مربوط به بازسازی و حفاظت از محیط زیست آسیب‌دیده دولت‌های درگیر بپردازند. هم‌چنین این ماده از سازمان‌های بین‌المللی مربوطه می‌خواهد که در این زمینه نقش تسهیل‌کننده ایفا نمایند (ILC, 2019).

افزون بر این، طرف‌ها در مخاصمه مطابق مواد (۲) و ۷۰ و ۷۱ پروتکل اول الحاقی به کنوانسیون‌های ژنو ۱۹۴۹ و نیز مستفاد از بندهایی از ماده ۸ اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری موظفند آزادی عمل و حرکت پرسنل بشردوستانه را فراهم نمایند و حتی از آنها در برابر خطرات حمایت کنند (Rome Statute of International Criminal Court, 1998; Protocol I, 1977). مهندسان و کارگرانی که به تعمیر سیستم‌های آبرسانی مشغول هستند، بخشی از پرسنل بشردوستانه تلقی می‌شوند که در دوران پس از مخاصمه نیز باید مورد احترام و حمایت قرار گیرند. اجرای این تعهدات در زمان پس از مخاصمات مسلحانه، مقتضای تعهد به جبران خسارت و نیز تعهد به رعایت و تضمین لوازم ضروری برای بقای جمعیت غیرنظامی و حقوق بنیادین بشری جمعیت غیرنظامی از جمله حق حیات، حق بر غذا، حق بر آب، حق بر سطح مناسب زندگی و غیره است که در اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق حقوق مدنی و سیاسی و نیز میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به صورت مستقیم یا ضمنی بیان شده است.

۳-۲- همکاری‌های زیست‌محیطی در راستای بازسازی ترمیم منابع آبی

اقدامات طرفین متخاصم در طول جنگ ممکن است اثراتی را بر عناصر مختلف محیط زیست و به خصوص منابع آبی بر جای گذارد. اثرات منفی زیست‌محیطی حاصل از مخاصمات بر سلامت انسان‌ها و کیفیت محیط زندگی انسان اغلب پس از مخاصمات آشکار می‌شود. دولت‌های طرف متخاصم بنا بر قواعد حقوق بشردوستانه مکلفند از انجام اقداماتی که آسیب گسترده، شدید و طولانی بر محیط زیست دارند خودداری نمایند. اما در صورتی که این تعهد در طول مخاصمه نقض گردید و به محیط زیست کشوی دیگر آسیبی وارد شد، در مرحله پس از مخاصمه دولت متخلف باید به منظور جبران خسارت اقدامات زیان‌بار خود با دولت زیان‌دیده همکاری‌های زیست‌محیطی لازم را صورت دهد.

هم‌چنین با توجه به اینکه حق بر محیط زیست سالم و پاک یکی از مصادیق نسل سوم حقوق بشر، یعنی حقوق همبستگی است و اجرای

کامل آن نیازمند همکاری و همبستگی بازیگران عرصه بین‌المللی با یکدیگر است، بازسازی زیست‌محیطی در دوران پس از جنگ، فعالیت همه دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی دولتی و غیردولتی مربوطه را می‌طلبد؛ زیرا آسیب‌های زیست‌محیطی و کاهش کیفیت محیط زیست، می‌تواند اثراتی منفی بر اجرای مؤثر حق بر محیط زیست سالم و نیز دیگر حقوق اساسی بشر مثل حق حیات، حق بهداشت، حق بر استانداردهای مناسب زندگی و حقوق دیگر داشته باشد (Weir, 2015). حال آنکه دولت‌ها نه تنها متعهد به اجرای حقوق بشر می‌باشند بلکه وظیفه دارند اجرای این حقوق توسط دیگران را تضمین نمایند (ICCP, 1966; ICESCR, 1966). اگرچه تاکنون سند الزام‌آور خاصی مبنی بر تعهد به کمک زیست‌محیطی به دولت‌های آسیب‌دیده پس از مخاصمه و تأمین مالی این گونه کمک‌ها وجود ندارد (Weir, 2015)، اما اصل همکاری در بسیاری از اسناد نرم زیست‌محیطی و نیز معاهدات دارای جنبه زیست‌محیطی مثل معاهدات مربوط به خلع سلاح بین‌المللی درج گردیده، به طوری که امروزه به جرأت می‌توان گفت، تعهد به همکاری نه تنها یک تعهد عرفی حقوق بین‌الملل محیط زیست بلکه یک اصل مهم در این حوزه می‌باشد (Weir, 2015). چنان‌که پیش‌نویس اصل ۱۵ گزارش دوم کمیسیون حقوق بین‌الملل در حمایت از محیط زیست در مخاصمات مسلحانه نیز همکاری بین بازیگران ذی‌ربط، از جمله سازمان‌های بین‌المللی را در ارتباط با ارزیابی‌های زیست‌محیطی پس از مخاصمات و اقدامات ترمیمی تشویق کرده است (ILC, 2019).

هم‌چنین اصول دیگر زیست‌محیطی مثل اصل توسعه پایدار و لزوم حفظ محیط زیست برای نسل‌های آینده، اصل پیشگیری، اصل احتیاط و به تبع آن قاعده ارزیابی اثر زیست‌محیطی از جمله مهم‌ترین تعهدات زیست‌محیطی دولت‌ها می‌باشند که در هنگام وقوع فجایع زیست‌محیطی پس از مخاصمات، ضرورت پایبندی به آنها در جهت بازسازی محیط زیست دوچندان می‌شود.

از آنجا که تأمین سلامت و حفظ موجودیت منابع آب به عنوان یکی از عناصر مهم زیست‌محیطی که در حین مخاصمات مسلحانه در معرض آسیب و آلودگی شدید قرار می‌گیرد، در مرحله پس از مخاصمات نیازمند همکاری جدی جامعه بین‌المللی می‌باشد؛ زیرا ماهیت سیال بودن آب نه تنها موجب تنزل کیفیت زیست‌محیطی در سرزمین کشورهای طرف متخاصم می‌شود، بلکه امکان سرایت آلودگی‌های آبی به دیگر کشورها نیز وجود دارد.

به منظور فراهم کردن ارزیابی‌های عینی و مستقل از اثرات زیست‌محیطی اقدامات نظامی، برنامه محیط زیست سازمان ملل متحد

شعبه‌ای خاص برای ارائه ارزیابی‌های زیست محیطی پس از مخاصمات ایجاد کرده است (UNEP, 2019). این نهاد در نخستین مطالعه خود در رابطه با اثر مخاصمه کوزوو بر محیط زیست بر این نکته تأکید کرد که لازم است فعالیت‌های مربوط به محیط زیست تحت شمول کمک بشردوستانه قرار گیرند. این گزارش بیان می‌کند: «مسائل جدی زیست محیطی وجود دارد که نیازمند اقدام فوری است. این مشکلات اثرات مهمی بر سلامت انسان دارند و بنابراین باید در چارچوب کمک‌های بشردوستانه پس از جنگ مورد توجه قرار گیرند» (UNEP & United Nations Center for Human Settlements, 1999).

با در نظر داشتن این امر که لزوم حفظ محیط زیست امروزه در زمره تعهدات عام‌الشمول قرار می‌گیرد (Robinson, 2018)، کشورهای طرف مخاصمه نباید جز در موارد ضرورت، مانع اقدامات در زمینه کمک‌های زیست محیطی در مورد منابع آبی در مرحله پس از مخاصمات مسلحانه فعال شوند و حتی لازم است در مورد رفع اثرات منفی زیست محیطی ناشی از جنگ بر آب‌ها، این منابع اساسی اندک، یکدیگر را یاری رسانند. این وظیفه همکاری، علاوه بر دولت‌های طرف مخاصمه بر عهده دیگر دولت‌ها نیز هست.

۳-۳- تعهد به پاکسازی بقایای سلاح‌ها در راستای بازسازی و ترمیم منابع آبی

بخش عمده‌ای از آثار زیانبار جنگ بر منابع آبی که تا مدت‌ها پس از جنگ باقی می‌ماند، بقایای سلاح‌های به کار رفته در حین جنگ است. از این رو، درک قابلیت ایراد لطمات جدی برخی سلاح‌های جنگی بر عناصر گوناگون محیط زیست موجب طرح تعهداتی مبنی بر پاکسازی بقایای ناشی از سلاح‌ها در دوره زمانی پس از جنگ، در برخی اسناد و کنوانسیون‌های بین‌المللی شده است. این گونه قواعد می‌تواند در حمایت از منابع آبی و رفع آلودگی‌های آن و بالتبع تسهیل تأمین امنیت آبی در مرحله پس از مخاصمات مسلحانه، اثر چشمگیری داشته باشند. برای مثال، در حین جنگ ایران و عراق، به دلیل رو در رویی طرفین مخاصمه در سواحل رود اروند، بخش مهمی از آلودگی این رود ناشی از ورود مواد سمی حاصل از ریخته شدن مهمات در آب و نیز مین‌گذاری قسمت‌هایی از آن بود. به علاوه، استفاده عراق از سلاح‌های شیمیایی علیه ایران که منجر به آلودگی منابع آبی برخی مناطق کشور ایران شد، از دیگر اثرات جنگ تحمیلی بر منابع آبی کشورمان است. راهبردهای مخربی مانند خشکاندن برخی رودخانه‌ها و تالاب‌ها و آلودگی خاک و آب نیز در بسیاری از مناطق ایران و عراق خسارات سنگینی بر اکوسیستم‌های آبی و خاکی این کشورها وارد کرده است (Ghanei Ardakani & Dehghani, 2018). یکی از دلایل تشدید هجوم گرد و غبار به کشورمان تخریب برخی منابع آبی و رها شدن اراضی کشاورزی در اثر تبعات جنگ تحمیلی و ادامه مخاصمات مسلحانه در عراق و سایر کشورهای منطقه بوده است (Ebtakar, 2016).

علاوه بر پیش‌نویس اصل ۱۶ گزارش کمیسیون حقوق بین‌الملل مربوط به حمایت از محیط زیست در مخاصمات مسلحانه که تعهد طرفین درگیری را به تلاش برای امحای بقایای خطرناک و سمومی که موجب آسیب به محیط زیست می‌شود، مقرر داشته (ILC, 2019) برخی اسناد الزام‌آور نیز به این موضوع پرداخته‌اند. برای نمونه، پروتکل

بنابراین، تعهد به فراهم کردن کمک بشردوستانه، اقدامات مربوط به ترمیم و بازسازی محیط زیست، از جمله شامل آن دسته اقداماتی می‌شود که باید پس از جنگ در جهت ترمیم تأسیسات آبرسانی و پاکسازی آب‌ها از آلودگی‌ها صورت گیرد. در نتیجه این‌گونه اقدامات ماهیتی بشردوستانه داشته و نیازمند کمک بین‌المللی است.

یونپ در مطالعه خود در سال ۲۰۰۳ درباره کشور عراق اظهار می‌کند که هدف این‌گونه مطالعات این نیست که مشکلات زیست محیطی سرزنش شوند بلکه هدف اصلی این است که مروری بر مسائل زیست محیطی انجام شود و گام‌های لازم برای حفاظت از محیط زیست شناسایی شود. اولویت‌های نخست شامل مسائل زیست محیطی است که ارتباط مستقیمی با تسکین وضعیت انسان دوستانه دارد به خصوص بازگرداندن آب، برق، سیستم‌های تخلیه فاضلاب و تضمین امنیت غذا (UNEP, 2003).

یونپ در اقدامات خود مربوط به مراحل پس از مخاصمات، اجرای پروژه‌های نوسازی برای رفع خطرات زیست محیطی ایجاد شده را نیز پیشنهاد داده است. برای مثال در مورد کوزوو اجرای این پروژه‌ها را در خصوص رفع اثرات زیست محیطی حاصل از خسارات وارده بر کارخانه‌های نزدیک منابع آبی پیشنهاد داد که مورد استقبال کشورها و نهادهای بین‌المللی قرار گرفت. علاوه بر یونپ، نهادهایی چون اداره هماهنگی امور بشردوستانه^۴، مأموریت‌های سازمان ملل^۴ در بخش‌های تحت مخاصمه مثل یونیمایک در کوزوو و کمیسیون‌های تحقیق مثل کمیسیون تحقیق در لبنان به لزوم انجام ارزیابی‌ها و پاکسازی‌های زیست محیطی پس از مخاصمات توجه کرده‌اند (Tignino, 2016). برای مثال کمیسیون تحقیق لبنان اظهار داشت «مشارکت اسرائیل در یک مخاصمه مسلحانه آن را از تعهد کلی به حمایت از محیط زیست و واکنش در برابر فاجعه زیست محیطی مثل آنچه در سواحل لبنان اتفاق افتاده، معاف نمی‌کند» (Human Rights Council, 2006).

الحاقی شماره ۲ به کنوانسیون سلاح‌های متعارف در مورد ممنوعیت‌ها یا محدودیت‌های کاربرد مین‌های زمینی، تله‌های انفجاری و دیگر ادوات انفجاری، با الزام دولت‌ها به اعمال تمهیدات مراقبتی مثل ثبت موقعیت اهداف به منظور جمع‌آوری مواد منفجر شده در آینده و متعاقباً تسهیل بازگرداندن محیط زیست به شرایط اولیه خود، درصدد کاستن از آثار مخرب این‌گونه سلاح‌ها برآمده و بر تعهد به پاک‌سازی، حذف و نابودسازی مین‌ها و تله‌های انفجاری تأکید می‌کند (Convention on Certain Conventional Weapons, 1996).

کنوانسیون اوتاوا (۱۹۹۷) نیز، در ارتباط با ممنوعیت استفاده از ذخیره‌سازی، تولید و انتقال مین‌های ضد نفر و امحاء آنها به صراحت مقرر می‌دارد که دولت‌های عضو، وظیفه نابودی یا تضمین به نابودی همه مین‌های ضد نفر در مناطق مین‌گذاری شده تحت صلاحیت یا کنترل خود، در اولین فرصت ممکن، اما نه دیرتر از ۱۰ سال بعد از اجرایی‌شدن این کنوانسیون برای آن دولت عضو، را دارند (Anti-Personnel Mines Ban Convention, 1997).

با توجه به اثرات شدید سلاح‌های شیمیایی بر عناصر زیست محیطی مثل آب، کنوانسیون منع توسعه، تولید، انباشت و استفاده از سلاح‌های شیمیایی و نابودی آنها مورخ (۱۹۹۳) لازم می‌دارد که دولت‌ها نه تنها ذخایر و تأسیسات تولید این‌گونه سلاح‌ها را اعلام نمایند بلکه وجود قطعی یا مردد سلاح‌های قدیمی رها شده را اطلاع دهند. سازمان مقابله با سلاح‌های شیمیایی نیز بر اجرای مفاد این کنوانسیون از سوی اعضا نظارت می‌کند (Chemical Weapons Convention, 1993).

بمب‌های خوشه‌ای نیز، به ویژه هنگامی که پس از پایان جنگ‌ها کماکان منفجر نشده باقی می‌مانند، می‌توانند موجب ایراد خساراتی بر انسان و محیط زیست باشند. کنوانسیون مهمات خوشه‌ای در سال ۲۰۰۸ مورد پذیرش دولت‌ها واقع شد. این کنوانسیون یکی از اولین اسناد مبین قواعد خلع سلاحی است که بر ارتباط صریح بین خلع سلاح، حمایت از محیط زیست و سلامت جمعیت‌های تحت تأثیر مخاصمه، صحه می‌گذارد. براساس این کنوانسیون، هر دولت عضو متعهد به نابودی یا تضمین به نابودی همه سلاح‌های خوشه‌ای مندرج در بند ۱ این ماده در اولین فرصت ممکن است. با این حال، این زمان نباید بیش از ۸ سال بعد از لازم‌الاجرا شدن این سند برای آن دولت عضو به طول بینجامد (Convention on Cluster Munitions, 2008). ملاحظات زیست محیطی این کنوانسیون در ماده (۴) ۶ به طور اختصار بیان گردیده و عمدتاً به پاک‌سازی بقایای این مهمات اختصاص یافته است (Convention on Cluster Munitions, 2008).

۴- تعهد به پاسخگویی ناقضان قواعد حقوقی در مرحله پس از جنگ

یکی از مهم‌ترین تعهدات حقوقی ناشی از نقض قواعد بین‌المللی، به ویژه عدم رعایت تعهدات حقوق بشر و بشردوستانه در طول جنگ، تعهد به پاسخگویی و تضمین جبران خسارت در قبال اعمال نامشروع متخاصمین است که در دوره زمانی پس از خاتمه مخاصمات فعال، امکان اعاده آنها به حال سابق وجود ندارد و تعهدات جایگزین مانند پرداخت غرامت، عذرخواهی و تشریح خاطر بزه‌دیدگان را مطرح می‌کند. گزارشگر کمیسیون حقوق بین‌الملل در حمایت از محیط زیست در مخاصمات مسلحانه نیز در این رابطه مقرر داشته که پیش‌نویس حاضر به قواعد موجود در حقوق بین‌الملل راجع به مسئولیت دولت‌ها صدمه‌ای وارد نمی‌کند. این پیش‌نویس در ادامه بیان می‌کند که هر گاه منبع آسیب‌های زیست‌محیطی در مخاصمه مسلحانه مشخص نباشد و یا جبران خسارت از طرف مسئول امکان‌پذیر نباشد، کشورها باید اقدامات لازم برای بلاجبران نمودن خسارت را اتخاذ نمایند و ایجاد صندوق‌های خاص پرداخت غرامت و یا دیگر مکانیزم‌های جبران خسارت جمعی برای این هدف پیشنهاد می‌شود (ILC, 2019).

۴-۱- پاسخگویی دولت‌های متخلف

مسئولیت بین‌المللی دولت ناشی از نقض قواعد حقوق بین‌الملل بشر و حقوق بین‌الملل بشردوستانه، از قواعد پایه‌ای بین‌المللی است (OHCHR, 2011). مسئولیت بین‌المللی از اصل وفای به عهد ناشی می‌شود. بدین معنا که هر معاهده لازم‌الاجرا برای طرفین الزام‌آور است و باید توسط آنها با حسن نیت اجرا شود (Vienna Convention on the Law of Treaties, 1969). حتی فراتر از تعهدات معاهده‌ای، طرح مواد مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها بر این اصل کلی تأکید دارد که نقض هر تعهد بین‌المللی منجر به تحقق عمل متخلفانه بین‌المللی شده، صرف نظر از منبع آن، متضمن مسئولیت بین‌المللی آن دولت است (ILC, 2001). بنابراین هر دولت مسئول اعمال متخلفانه ناشی از نقض قواعد حقوق بشر و بشردوستانه حمایت کننده از منابع و تأسیسات آبی است که قابل انتساب به آن دولت باشد. مثل اعمال متخلفانه بین‌المللی انجام شده از سوی ارگان‌های آن مانند نیروهای مسلح، اقدامات افراد یا نهادهایی که عناصری از اقتدارات دولتی را اجرا می‌کنند، نقض‌های ارتكابی از سوی افراد یا گروه‌های خصوصی که به دستور یا تحت کنترل آن دولت عمل می‌کنند و نقض‌های ارتكابی از سوی افراد یا گروه‌هایی که دولت با رفتار خود آنها را تأیید کرده و عمل آنها را عمل خود تلقی کرده‌است (ILC, 2001).

همچنین ممکن است یک دولت به دلیل عدم انجام مراقبت کافی که لازم بود در پیشگیری یا مجازات نقض‌های قواعد حقوق بشر و بشردوستانه لازم‌الاجرا در طول انواع مختلف مخاصمات بین‌المللی انجام دهد و در این زمینه کوتاهی کرده‌باشد، مسئول شناخته شود.

مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها اتخاذ اقداماتی از سوی آنها در جهت جبران خسارت، تعهد به عدم تکرار و در صورت لزوم اتخاذ مکانیزم‌های حقوقی برای پیشگیری از سوء استفاده‌های آینده را دربرمی‌گیرد (ILC, 2001). قواعد حقوق بشردوستانه در ارتباط با مسئولیت و جبران خسارت دولت‌ها واضح و کامل است. بر اساس کنوانسیون ۱۹۰۷ لاهه طرف متخاصم که قواعد گفته شده را نقض کرده، اگر درخواست شود، مسئول پرداخت خسارت است (Hague Convention IV, 1907). مقررات مشابهی در پروتکل اول الحاقی هم بیان شده است (Protocol I, 1977). نظریه تفسیری کمیته صلیب سرخ به پروتکل اول الحاقی دو شرط را برای پرداخت غرامت مقرر داشته: وجود زیان یا صدمه غیرقابل جبران و عدم امکان اعاده به وضع سابق (ICRC, 1987).

در نتیجه زمانی که قواعد حقوق بشر و بشردوستانه در طول مخاصمات از سوی متخاصمان نقض شده و منجر به ایراد آسیبی شده باشد که نتوان وضعیت را به حال سابق برگرداند دولت یا دولت‌های متخلف مکلف به پاسخگویی و پرداخت غرامت می‌باشند.

علی‌رغم پذیرش مسئولیت دولت‌ها به جبران صدمات ناشی از جنگ‌ها، دادگاه‌های داخلی دولت‌ها در موارد بسیاری حق افراد قربانی به طرح ادعای غرامت بر مبنای حقوق بشردوستانه را رد کرده‌اند. در این خصوص می‌توان به رأی دیوان بین‌المللی دادگستری در دعوی بوسنی هرزگوین علیه صربستان و مونته‌نگرو اشاره کرد که در آن دیوان دریافت که صربستان، تعهد به پیشگیری و همچنین تحت تعقیب قراردادن اقدامات نسل‌کشی را نقض کرده‌است و بر این اساس تصمیم گرفت که صربستان مجبور به اتخاذ اقدامات مناسب برای تضمین اجرای کامل تعهداتش، طبق کنوانسیون پیشگیری و مجازات جرم نسل‌کشی و انتقال افراد متهم به ژنوساید یا هر اقدام دیگر برای دادرسی توسط دیوان بین‌المللی کیفری یوگسلاوی سابق و همکاری کامل با آن دیوان است (Application of the Convention on the Prevention and Punishment of the Crime of Genocide, 2007).

لازم به ذکر است که مطابق حقوق بین‌الملل، مسئولیت بین‌المللی دولت برای نقض‌های فاحش حقوق بشر و بشردوستانه مربوط به آب،

رافع مسئولیت کیفری مرتکبان این‌گونه جرایم نبوده و متقابلاً، مجرم شناخته شدن افرادی که مرتکب این‌گونه اقدامات شده‌اند نیز، دولت را از بار مسئولیت بین‌المللی نمی‌رهاند. از این رو، در کنار مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها، باید به مسئولیت بین‌المللی کیفری افراد نیز توجه شود (Rome Statute of International Criminal Court, 1998).

۴-۲- پاسخگویی افراد متخلف

عدم رعایت برخی از قواعد حقوق بشری و بشردوستانه در حمایت از آب می‌تواند تحت حقوق داخلی جرم‌انگاری شوند و مسئولیت کیفری داخلی را به دنبال داشته باشند. از جمله ارتکاب اعمالی چون اقدامات تروریستی علیه منابع آبی در مخاصمات داخلی، دستور به عدم تأمین منابع آبی برای جمعیت غیرنظامی، تخریب تأسیسات تولید، تصفیه و توزیع آب و مسموم نمودن منابع آبی و غیره افزون بر این، برخی از این نقض‌ها، می‌تواند به عنوان جرم بین‌المللی شناخته شوند و حتی در شرایطی عناصری از جنایات بین‌المللی مثل جنایت علیه بشریت، جرایم جنگی، نسل‌کشی و غیره را تشکیل دهند. در نتیجه مسئولیت بین‌المللی کیفری برای تضمین پاسخگویی در مقابل نقض تعهدات مطروحه در حقوق بین‌الملل بشر و بشردوستانه در حمایت از آب‌ها ضروری است؛ زیرا مطابق با نظر مشهور دیوان بین‌المللی نظامی نورنبرگ، «جرایم علیه حقوق بین‌الملل توسط افراد ارتکاب یافته‌اند، نه نهادهای انتزاعی و تنها با مجازات فردی آنها می‌تواند اجرایی شود». از دهه ۱۹۹۰ جامعه بین‌المللی اقدامات مهمی در ایجاد مکانیزم‌هایی که از طریق آن افراد بتوانند برای نقض‌های حقوق بشر و بشردوستانه به عدالت تن دردهند، اتخاذ کرده است که مهم‌ترین آنها تأسیس دیوان بین‌المللی کیفری و برپایی مکانیزم‌های جهانی و منطقه‌ای حقوق بشری می‌باشد (OHCHR, 2011).

در برابر ارتکاب نقض قواعد حقوق بشر و بشردوستانه منتج به مسئولیت افراد، دولت‌ها به عنوان بازیگران اصلی عرصه بین‌الملل، مجموعه‌ای از تعهدات و مسئولیت‌ها را برعهده دارند. مواد ۲ و ۳ میثاق حقوق مدنی و سیاسی، قطعنامه‌های اتخاذی توسط کمیسیون حقوق بشر و رویه قضایی همگی بر وظیفه دولت‌ها به احترام و تضمین احترام به تعهدات حقوق بشری تأکید دارند. بدین معنا که دولت‌ها نه تنها خود نباید قواعد حقوق بشری را نقض نمایند بلکه در صورت عدم رعایت آنها توسط افراد و دولت‌های دیگر موظف به واکنش و تضمین اجرای آن حقوق هستند.

در مجموعه قواعد حاکم بر مخاصمات مسلحانه بین‌المللی نیز دولت‌ها متعهد به احترام و تضمین احترام به حقوق بشردوستانه هستند (Geneva Conventions, 1949; Protocol I, 1977) و نیز وظیفه دارند کلیه اقدامات قضایی مناسب برای تعقیب و مجازات مرتکبان نقض‌های فاحش قواعد بشردوستانه را اتخاذ نمایند (Geneva Convention IV, 1949; Protocol I, 1977)؛ اما در خصوص مخاصمات مسلحانه غیربین‌المللی هیچ یک از مفاد مندرج در ماده ۳ مشترک و پروتکل الحاقی به کنوانسیون‌های ژنو ۱۹۷۷، مقررات خاصی برای نقض‌های فاحش قواعد آنها مطرح نمی‌کند. اما رویه قضایی برخی از دیوان‌های بین‌المللی کیفری بالاخص دیوان بین‌المللی کیفری برای یوگسلاوی سابق در قضیه تادیب بر امکان وقوع جرایم جنگی در مخاصمات مسلحانه غیر بین‌المللی صحنه گذاشته‌اند (ICTY, 1995). اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری نیز نقض‌های فاحش برخی قواعد عرفی حقوق بشردوستانه در مخاصمه مسلحانه غیر بین‌المللی مربوط به آب را جرایم جنگی تلقی نموده است (Rome Statute of International Criminal Court, 1998). از این رو، نقض برخی قواعد حمایت‌کننده از آب‌ها بر اساس حقوق بین‌الملل کیفری، جنایت بین‌المللی تلقی شده و در نتیجه بر مبنای صلاحیت تکمیلی دیوان بین‌المللی کیفری در اساسنامه رم، ابتدا دولت‌ها متعهد به تعقیب و رسیدگی به اینگونه جرایم می‌باشند و در صورت ناتوانی یا عدم تمایل آنها، امکان طرح برخی از آنها در دیوان بین‌المللی کیفری وجود دارد (Rome Statute of International Criminal Court, 1998). در این مرحله نیز وظیفه دولت‌ها به همکاری با دیوان، ارائه مستندات به دادستان، ایجاد تمهیدات مجازات مجرمان و جبران خسارت از قربانیان و یا بازماندگان از مهم‌ترین وظایف دولت‌ها در حیطه مسئولیت کیفری افراد است.

۳-۴- سازوکارهای طرح مسئولیت بین‌المللی و جبران صدمات وارده به منابع و تاسیسات آبی

مهم‌ترین ساز و کارهای حقوقی تظلم‌خواهی در دوران پس از جنگ در خصوص موضوعات آبی میان دولت‌ها دیوان‌های بین‌المللی کیفری و مکانیزم‌های حقوق بشری هستند. علاوه بر این در رابطه با موضوع پرداخت غرامت ناشی از جنگ میان دولت‌ها در کنار روش‌های عام سیاسی و حقوقی حل و فصل اختلافات می‌توان از کمک شورای امنیت و نهادهای فرعی آن هم بهره گرفت.

۳-۴-۱- دیوان‌های بین‌المللی کیفری

اگرچه دیوان‌های بین‌المللی کیفری در رویه خود بیشتر به عدم رعایت حقوق مدنی و سیاسی توجه کرده‌اند؛ اما با تأمل در قضیه کوپرسکیچ

و دیگران در دیوان بین‌المللی کیفری یوگسلاوی سابق این نتیجه حاصل می‌گردد که توجه بیشتر به حقوق مدنی و سیاسی بدین معنا نیست که نقض حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی قابلیت طرح در این‌گونه محاکم را ندارند. زیرا در آن قضیه این مسأله مطرح گردید که «آیا حقوق اقتصادی اجتماعی می‌تواند آنقدر اساسی باشند که نقض آنها بتواند منجر به ایجاد جرم تعقیب و آزار شود؟» (ICTY, 2000, para. 630). شعبه مقدماتی دیوان در پاسخ به این سؤال اینگونه اظهار داشت که مواردی چون نابودی کامل خانه‌ها و اموال زمانی که عامدانه و به طور تبعیض‌آمیز انجام شود، جرم تعقیب و آزار، به عنوان یک جرم علیه بشریت، می‌باشد (ICTY, 2000). از این رو، نقض حقوق اقتصادی و اجتماعی می‌تواند یکی از مؤلفه‌ها در شکل‌گیری آزار و اذیت باشد. با توجه به ضرورت اساسی آب برای معیشت انسان و نقش عمده این ماده در حیات بشر، نقض گسترده حق بر آب نیز می‌تواند نوعی آزار و اذیت تلقی شده و در دایره موضوعات تحت صلاحیت محاکم بین‌المللی کیفری، به ویژه دیوان بین‌المللی کیفری، قرار گیرد.

مهم‌ترین رویه قضایی دیوان بین‌المللی کیفری در موضوع آسیب به منابع آبی، در اتهام مطروحه توسط دادستان دیوان علیه عمرالبشیر، رئیس‌جمهور سودان مطرح گردید. در این قضیه، دادستان از قضات دیوان برای تأیید اینکه تخریب، آلودگی و سمی کردن منابع آبی در دارفور، نسل‌کشی است، درخواست اظهار نظر نمود. در تصمیم مورخ ۴ مارس ۲۰۰۹ در باره صدور قرار بازداشت عمرالبشیر، اکثریت قضات شعبه پیش‌دادرسی، اتهام ژنوساید را رد کردند (ICC, 2009). اما قاضی اوساکار در نظر مخالف خود تأکید کرد که دلایل زیادی در خصوص تخریب ابزارهای ضروری برای حیات وجود دارد و از نظر او اتهام ژنوساید بر مبنای ماده ۶ اساسنامه رم واقع شده است (ICC, Separate and partly dissenting opinion of Judge Anita Usacka, 2009). اگرچه اکثریت قضات دیوان، آسیب به منابع آبی در این قضیه را نسل‌کشی ندانستند، اما اقدام دادستان در طرح چنین اتهامی، گامی مثبت در طرح دعوی مشابه با موضوع آب در دیوان بین‌المللی کیفری می‌باشد. چنان‌که استفاده گسترده از سلاح‌های شیمیایی در مناطق غرب و جنوب غرب کشور به دستور صدام حسین و فرماندهان رژیم بعثی عراق در طول سال‌های جنگ تحمیلی و غیرقابل استفاده شدن منابع آبی آن مناطق را باید نمونه‌ای از جرم جنگی و همچنین نسل‌کشی علیه شیعیان یا ایرانیان دانست و امکان طرح دعوا و جبران خسارت قربانیان را در محاکم سرزمین عراق، ایران و یا دیگر محاکم ذی‌ربط مورد بررسی قرار داد.

۴-۳-۲- ساز و کارهای نظارتی حقوق بشر

ارتباط انکارناپذیر آب و حق حیات، می‌تواند زمینه ورود کمیته حقوق بشر ناظر بر میثاق حقوق مدنی- سیاسی به بررسی اقدامات دولت‌ها در رعایت این حق را فراهم نماید و حتی افراد قربانی می‌توانند از امکان طرح شکایت‌های فردی در این نهاد برای ترمیم و جبران خسارات وارده در طول مخاصمات مسلحانه بهره‌مند شوند.

ساز و کارهای نظارتی حقوق بشری طیف وسیعی از مکانیزم‌ها، از ارائه گزارشات حقوق بشری تا طرح دعوا در محاکم و صدور آرای الزام‌آور را در بر می‌گیرد. با نظر به شناسایی حق بر آب در حقوق بین‌الملل بشر و ضرورت رعایت آن در طول مخاصمات، سازوکارهای حقوق بشری می‌توانند در جهت اجرا و تضمین بهتر این حق مؤثر واقع شوند.

هم‌چنین با توجه به طرح موضوع حق آب در کنوانسیون حقوق کودک (Convention on the Rights of the Child, 1989)، کنوانسیون منع هر گونه اشکال تبعیض علیه زنان (Convention on the Elimination of All Forms of Discrimination Against Women, 1979) و برخی دیگر از کنوانسیون‌های حقوق بشری، نهادهای ناظر بر این معاهدات، می‌توانند یکی از ساز و کارهای مهم طرح مسئولیت در دوره زمانی پس از مخاصمات مسلحانه، در نظر گرفته شوند.

۴-۳-۲-۱- نهادهای نظارتی بر عهدنامه‌های جهانی حقوق بشری

کمیته‌های متشکل از کارشناسانی مستقل عمدتاً بر اجرای معاهدات مهم حقوق بشری که تحت لوای سازمان ملل منعقد شده‌اند، نظارت می‌کنند (United Nations Human Rights, 2019). در نتیجه گزارشات و پیشنهادهای ارائه شده توسط این نهادها که نهادهای معاهده‌ای نامیده می‌شوند، می‌تواند در شناسایی موارد نقض حقوق بشر و نیز تحت شرایطی، در پیشگیری از این گونه نقض‌ها مؤثر باشد. حتی اسناد صادره از سوی آنها می‌تواند از سوی محاکم قضایی بین‌المللی مورد استناد قرار گیرند و از این طریق به عادلانه‌تر کردن رسیدگی‌ها کمک نماید.

۴-۳-۲-۲- نهادهای نظارتی بر عهدنامه‌های منطقه‌ای حقوق بشر

شماری از معاهدات و اسناد منطقه‌ای حقوق بشر به صورت مستقیم و یا غیر مستقیم به حق بر آب آشامیدنی سالم اشاره کرده‌اند. پس از اتمام مخاصمات، سیستم‌های قضایی و شبه‌قضایی ناظر بر این اسناد منطقه‌ای می‌توانند در تضمین پاسخگویی دولت‌ها یا افراد ناقض این حق فعالانه عمل کنند. رویه اینگونه نهادها جالب‌ترین مثال‌ها را برای اجرای حقوق اقتصادی- اجتماعی، مثل حق به آب، ارائه می‌دهد.

از جمله مهم‌ترین نهاد معاهده‌ای مرتبط به موضوع حق به آب، کمیته حقوق اقتصادی- اجتماعی و فرهنگی است که ملاحظاتی را در مورد تعهدات حقوق بشری به تأمین آب آشامیدنی سالم از طریق صدور نظریه‌های عمومی و یا مرور گزارش‌های منظم دولت‌ها انجام می‌دهد. نظریه عمومی شماره ۱۵ این کمیته لزوم رعایت حق به آب آشامیدنی سالم در طول مخاصمات مسلحانه و رعایت قواعد حقوق بشردوستانه مربوط به دسترسی به آب را برای دولت‌ها به رسمیت شناخته است (CESCR, 2003). این نهاد در بررسی گزارشات دولت‌ها نیز به مسأله آب توجه کرده و پیشنهادات خاصی را در مورد فقدان دسترسی به آب آشامیدنی سالم، محدودیت دسترسی به آب در مورد آوارگان داخلی، مسائل زیست محیطی و تأثیر آن‌ها بر دسترسی به آب، قصور دولت‌ها در تضمین تأمین آب آشامیدنی سالم و غیره مطرح کرده است (OHCHR, 2010). پروتکل اختیاری الحاقی به میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نیز در سال ۲۰۰۸ زمینه طرح اختلافات فردی علیه دولت‌ها ناشی از نقض مصادیق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را در این کمیته مقرر کرده است (General Assembly, 2008). بنابراین افراد در خصوص نقض حق بر آب آشامیدنی سالم در زمان مخاصمات مسلحانه از سوی دولت‌های متخاصم می‌توانند در این نهاد شکایات خود را مطرح نمایند.

قضیه مطروحه توسط دو سازمان غیر دولتی به نام‌های مرکز اجرای حقوق اقتصادی، اجتماعی و مرکز حقوق اقتصادی، اجتماعی نیجریه از طرف مردم اوگونی یکی از مواردی است که نشان‌دهنده چگونگی برخورد کمیسیون آفریقایی حقوق بشر و مردمان با نقض حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است. این قضیه در ارتباط با حملات صورت گرفته علیه مردم اوگونی از سوی نیروهای نظامی دولت نیجریه و عواملان خصوصی است. کمیسیون در اثنای تصمیم خود در نقض حق به سلامت و محیط زیست توسط دولت نیجریه، به مسائل مربوط به آلودگی منابع آبی نیز توجه کرد و به مسأله رها کردن فاضلاب سمی در منطقه دلتای رود نیجر و کاهش سلامت محیط زیست و مشکلات مربوط به سلامتی مردم اوگونی حاصل از آن رسیدگی کرد. کمیسیون در این تصمیم، از دولت نیجریه درخواست کرد که اقداماتی برای تضمین حمایت از محیط زیست و سلامت مردم اوگونی اتخاذ نماید. از جمله این اقدامات پاک‌سازی زمین‌ها و رودهای آسیب‌دیده در اثر عملیات نفتی است. به علاوه، دولت نیجریه موظف گردید تضمین نماید که ارزیابی اثر زیستی محیطی برای هر اقدام

توسعه نفتی در آینده انجام می‌شود و اطلاعاتی در خصوص سلامت زیست‌محیطی و دسترسی به نهادهای قانون‌گذار و تصمیم‌گیر در مورد جوامعی که احتمال آسیب ناشی از اقدامات نفتی را دارند ارائه شود (African Commission on Human and People's Rights, 2001).

هم‌چنین کمیسیون آفریقایی حقوق بشر و مردمان در تصمیم خود در قضیه مطروحه از سوی سازمان حقوق بشر سودان و «مرکز حقوق مسکن و اخراج شده‌ها»^۶ علیه سودان در ارتباط با حق به آب و نقشی که آب در طول و پس از مخاصمات ایفا می‌کند اظهار نظر نمود و این‌گونه رأی داد که سمی کردن منابع آبی در طول مخاصمه دارفور، منجر به نقض منشور آفریقایی حقوق بشر و مردمان شده است و اقداماتی را در این مورد توصیه نمود (African Commission on Human and People's Rights, 2009). کمیسیون در درخواست خود برای نوسازی ساختارهای اجتماعی و اقتصادی در استان‌های دارفور، به خدمات آبی به عنوان یک عامل اساسی برای بازگشت آوارگان داخلی و پناهندگان اشاره کرد (African Commission on Human and People's Rights, 2009). هم‌چنین این نهاد در درخواست خود برای ایجاد «انجمن سازش ملی»^۷ برای رفع علل مخاصمه، حق به آب را به عنوان روشی مهم برای جلوگیری از درگیری‌های آینده مد نظر قرار داد (African Commission on Human and People's Rights, 2009).

۴-۳-۲-۳- نهادهای نظارتی سازمان ملل

کمیسیون حقوق بشر و جانشین آن، شورای حقوق بشر از مهم‌ترین نهادهای ناظر بر اجرای تعهدات حقوق بشری دولت‌ها می‌باشند که بر اساس قطعنامه ۶۰/۲۵۱ مجمع عمومی عهده‌دار دو وظیفه مهم است: اولین وظیفه، ترویج احترام جهانی برای حمایت از همه حقوق بشر و آزادی‌های اساسی برای همه بدون هرگونه تمایز و به شیوه‌ای عادلانه و برابر و وظیفه دوم بر توجه به وضعیت‌های نقض حقوق بشر، از جمله نقض‌های فاحش و سیستماتیک و ارائه پیشنهاداتی برای رفع آنها دلالت دارد (General Assembly, 2006). هر دو نهاد کمیسیون و شورا، نقض‌های قواعد حقوق بشردوستانه را نیز در حوزه مأموریت خود می‌دانند (OHCHR, 2011). شورای حقوق بشر در اقدامات خود برای تضمین اجرای حق بر آب، به موجب قطعنامه ۷/۲۲ کارشناسی مستقل در حوزه تعهدات حقوق بشری مربوط به دسترسی به آب آشامیدنی سالم را ایجاد کرد (Human Rights Council, 2008). هم‌چنین شورا از طریق دیگر رویه‌های خود به ویژه با درخواست از گزارشگران خاص خود در موضوعاتی مثل حق بر غذا و سلامت یا گزارشگران در

کشورهای خاص، به موضوع حق بر آب توجه کرده است (OHCHR, 2011).

هم‌چنین نهادهای نظارتی سازمان ملل با بهره‌گیری از کمیسیون‌های تحقیق و مأموریت‌های حقیقت‌یاب، به ویژه در دوران پس از مخاصمات مسلحانه می‌توانند در شناسایی و معرفی ناقضان حق بر آب و نیز فراهم کردن مستندات جهت تسهیل کار نهادها و روش‌های جبران خسارت قربانیان ایفای نقش نمایند.

۴-۳-۳- کمیسیون‌های حقیقت‌یاب^۸

ایجاد یک کمیسیون دولتی یا مستقل برای تحقیق و ثبت و ضبط نقض‌های قواعد حقوق بشر در حین جنگ‌ها، از دیگر روش‌های رایجی است که معمولاً پس از مخاصمات مسلحانه، به ویژه مخاصمات داخلی انجام می‌شود. این کمیسیون‌ها که کمیسیون حقیقت‌یاب و یا کمیسیون سازش و حقیقت نامیده می‌شوند، می‌توانند در مواردی به طور بالقوه، اما نه لزوماً، راه را برای تعقیب کیفری این‌گونه تخلفات هموار نمایند (OHCHR, 2006). کمیسیون‌های حقیقت‌یاب نهادهای موقتی هستند که غالباً برای تحقیق در خصوص نقض‌های حقوق بشری گذشته، شناسایی الگوها و دلایل خشونت ایجاد می‌شوند و گزارش نهایی خود را از طریق رویه‌های مستقل از مداخلات سیاسی منتشر می‌کنند (Bakiner, 2016). این نهادها معمولاً بسیاری از اطلاعات پایه‌ای مورد نیاز خود را از طریق اظهارات مستقیم قربانیان، شاهدان و بازماندگان بعد از جنگ‌ها به دست می‌آورند (OHCHR, 2006). اگرچه آنها مستقیماً در ترمیم و جبران خسارت قربانیان نقشی ندارند اما گزارش‌های حاصله از آنها در شفاف‌سازی وقایع، می‌تواند اتخاذ ترتیباتی را برای جبران خسارت و ترمیم مالی و غیرمالی قربانیان پیشنهاد دهد. حتی در برخی موارد فوری، این کمیسیون‌ها مقدمات جبران خسارت فوری و موقت برای افرادی که بسیار نیازمند هستند، فراهم می‌کنند (OHCHR, 2006).

اقدامات کمیسیون‌های حقیقت‌یاب می‌توانند در رسیدگی‌های قضایی به تخلفات ناشی از مخاصمات به ایفای نقشی تکمیلی بپردازند. هر چند گزارش‌های ارائه شده توسط این نهادها جایگزینی برای مرحله تعقیب در محاکم بین‌المللی کیفری نمی‌باشد؛ اما روش مناسبی برای رسیدگی به وضعیت‌هایی است که تعقیب جرایم فاحش در آنها غیرممکن یا بعید به نظر می‌رسد. نکته بسیار مهم برای برپایی و اقدام مناسب کمیسیون‌های سازش و حقیقت این است که مخاصمه مسلحانه، جنگ یا سرکوب داخلی باید به اتمام رسیده باشد؛ زیرا زمانی

که اقدامات خشونت‌بار به طور فعال ادامه دارد بعید است امکان انجام تحقیقات دقیق فراهم شود (OHCHR, 2011).

همان‌طور که کمیساریای عالی پیشین حقوق بشر تأکید کرده است که «کمیسیون‌های حقیقت‌یاب به طور خاص برای انجام تحقیقات و حمایت از حقوق اقتصادی-اجتماعی، با توجه به اینکه وظیفه آنها اغلب شامل ترمیم نتایج و پیامدهای ناشی از مخاصمه است، مناسب می‌باشند» (Arbour, 2006). حق به آب و بهداشت در مرحله پس از منازعات نیز می‌تواند از رهگذر گزارشات ارائه شده توسط این کمیسیون‌ها مورد تجزیه و پیگیری قرار گیرد. هر چند تاکنون هیچ کمیسیون حقیقت‌یابی صریحاً به حق آب و نیز موضوع بازسازی ساختاری و قانونی در بخش آب توجه نکرده است؛ اما گزارش‌های برخی کمیسیون‌ها به طور ضمنی به بحث آب مربوط می‌باشند. برای مثال در گزارش نهایی کمیسیون تیمور شرقی برای پذیرش، حقیقت و سازش یک فصل کامل به اثرات اشغال اندونزی بر حقوق اقتصادی-اجتماعی مردم تیمور شرقی اختصاص یافت (Timor-Leste Commission for Reception, Truth and Reconciliation, 2005). کمیسیون حقیقت‌یاب سیرالئون نیز در برنامه ترمیمی توصیه شده به دولت، بر پیشنهاد ارائه خدمات به مردم سراسر سیرالئون تأکید کرد که براساس آن استقرار زیرساخت‌ها و ارائه خدمات بهداشتی-آموزشی به دولت پیشنهاد گردید (Sierra Leone Truth and Reconciliation Commission, 2004). نمونه دیگر، کمیسیون سازش و انصاف مراکش است که به منظور تحقیق در خصوص نقض‌های حقوق بشری واقع در سال‌های ۱۹۵۶ و ۱۹۹۹ تأسیس شد. این کمیسیون، جبران خسارت و ترمیم جمعی برای تقویت توسعه اقتصادی-اجتماعی مناطق خاص تحت تأثیر خشونت سیاسی را پیشنهاد کرد (The Moroccan Equity and Reconciliation Commission, 2005) که توسعه زیرساخت‌های آبی و بهداشتی می‌تواند بخشی از توسعه اقتصادی-اجتماعی قلمداد شود.

امروزه در پرتوی توجه بیشتر به حق بر آب آشامیدنی سالم، به خصوص پس از قطعنامه سال ۲۰۱۰ مجمع عمومی، استفاده از ساز و کار کمیسیون حقیقت‌یاب می‌تواند نقش مؤثرتری در حمایت از این حق در مرحله پس از منازعات ایفا کند.

۴-۳-۴- نهادهای فرعی شورای امنیت

شورای امنیت که مسئولیت اصلی و اولیه حفظ صلح و امنیت بین‌المللی را بر عهده دارد می‌تواند در زمینه تسهیل تعهد به پاسخگویی دولت‌های ناقض تعهدات بین‌المللی نقش مهمی ایفا نماید. چنان‌که پس از پایان

جنگ عراق و کویت، شورای امنیت با شناسایی عراق به عنوان متجاوز و تشکیل کمیسیون غرامت سازمان ملل در سال ۱۹۹۱ مسئولیت عراق را طبق حقوق بین‌الملل برای هر خسارت یا صدمه مستقیم از جمله صدمه زیست‌محیطی و محرومیت از منابع طبیعی یا آسیب به دولت‌های خارجی، اتباع و شرکت‌ها را شناسایی کرد (Security Council, 1991).

شورای امنیت در قطعنامه ۵۹۸ با طفره رفتن زیرکانه از تعیین متجاوز در جنگ ایران و عراق، زمینه احقاق حق جبران خسارت و طرح مسئولیت بین‌المللی را دشوار کرده است. توضیح آنکه شورای امنیت در مورد جنگ ایران و عراق، در بند ۶ قطعنامه ۵۹۸، دبیرکل را موظف کرد با تشکیل هیأتی بی‌طرف متجاوز را تعیین کند (Security Council, 1987). در پی کارشکنی‌های دولت عراق در نهایت دبیرکل بدون تشکیل هیأت بی‌طرف و با تماس‌های مکرر با مقامات ایرانی و عراقی در گزارش خود به شورای امنیت، عراق را به عنوان کشور متجاوز تعیین کرد؛ اما در بند ۹ گزارش خود تصریح کرد که با توجه به مصالح سیاسی به ویژه تأمین صلح و امنیت در منطقه، پیگیری بند ۶ قطعنامه ۵۹۸ ظاهراً ثمری نخواهد داشت. در مورد ماهیت و اثر گزارش دبیرکل به شورا به ویژه به دلیل عدم واکنش شورا نسبت به آن اختلاف نظراتی وجود دارد؛ اما آنچه مشخص است اینکه در ارزش گزارش دبیرکل با نظر به مسئولیتی که شورا برای تعیین متجاوز به ایشان سپرده بود هیچ تردیدی نیست لیکن اظهارات وی در مورد عدم پیگیری بند ۶ قطعنامه در صلاحیت ایشان نبوده است (Saed, 2004). به هر حال، به دلیل وجود اصل بلاجبران نماندن خسارت در حقوق بین‌الملل و اصل دوام دولت‌ها که موجب می‌شود مسئولیت عراق با وجود تغییر حکومت هم‌چنان باقی باشد، بهترین راهکار حقوقی آن است که ضمن رایزنی با دولت عراق و یا به طور مستقل، ضمن ارسال درخواست به شورای امنیت، تشکیل کمیته‌ای بی‌طرف برای تعیین سازوکار جبران غرامت را تقاضا نمود. هم‌چنین در صورت موافقت کشور عراق طرفین می‌توانند بدون ارجاع به شورای امنیت و از طریق روش‌های سیاسی مثل مذاکره، تشکیل کمیسیون سازش و یا حتی تشکیل یک دیوان داوری موردی، روش‌های پرداخت غرامت را مشخص نمایند. هرچند اگر در نخستین سال‌های پس از جنگ تحمیلی موضوع غرامت به جدیت دنبال می‌شد، امکان الزام عراق در بازسازی زیرساخت‌های آبی آسیب‌دیده ایران هم امکان‌پذیر بود. در حال حاضر، اگرچه روش‌های حقوقی زیادی برای پیگیری این موضوع وجود دارد؛ اما پیش از آن این مسأله نیازمند تمایل و اراده سیاسی است.

۵- نتیجه گیری

منابع آب و تأسیسات آبی اغلب در جریان مخاصمات مسلحانه دچار آسیب دیدگی جدی و گسترده می‌شوند. ترمیم و احیای این منابع و تأسیسات، در مرحله پس از اتمام مخاصمات نظامی فعال، می‌تواند نقشی مهم در جهت تسهیل و تسریع فرآیند صلح‌سازی ایفا نماید. حقوق بین‌الملل که وظیفه اصلی و رسالت نخستین آن، حفظ صلح و امنیت بین‌المللی از طریق انتظام بخشیدن به روابط میان اعضای جامعه بین‌المللی بوده است، ظرفیت استنباط و اثبات دو دسته تعهدات کلی را، به منظور تسهیل روند صلح‌سازی از طریق ترمیم و احیای منابع آبی در دوره زمانی پس از مخاصمات مسلحانه، داراست که عبارتند از: تعهد به بازسازی و تعهد به پاسخگویی.

حقوق بشردوستانه، حقوق بین‌الملل کیفری و حقوق بین‌الملل محیط زیست می‌توانند تعهدات لازم و پایه‌ای را در این موضوع فراهم آورده و مشخص نمایند. با این حال، ضرورت وجود قواعد و مقررات تفصیلی و خاص در حمایت از منابع و تأسیسات آبی پس از مخاصمات مسلحانه احساس می‌شود و توجه بیشتر جامعه بین‌المللی را به اهمیت این موضوع در تسریع روند صلح‌سازی ایجاب می‌نماید تا قواعد صریح‌تری را که مبین حقوق و تکالیف بازیگران بین‌المللی است مقرر نمایند و مهم‌تر این که آیین و سازکارهای مقتضی را به منظور تضمین رعایت تعهدات بین‌المللی دولت‌ها و نهادهای ذی‌ربط ایجاد کرده و تقویت کنند.

پی‌نوشت‌ها

- 1- Peacebuilding
- 2- Jus Post Bellum
- 3- Water and Habitat
- 4- Office for the Coordination of Humanitarian Affairs (OCHA)
- 5- Crime of Persecution
- 6- Centre on Housing Rights and Evictions
- 7- National Reconciliation Forum
- 8- Truth Commissions

۶- مراجع

- African Commission on Human and Peoples' Rights (2001) The social and economic rights action center and the center for economic and social rights v. Nigeria. Communication No. 155/96
- African Commission on Human and Peoples' Rights (2009) Sudan human rights organization & center on housing rights and evictions (COHRE) v. Sudan. Communication No. 279/03 & 296/05
- Arbour L (2006) Economic and social justice for societies in transition. Center for Human Rights and Global Justice, New York University Working Paper 10:1-28
- Bakiner O (2016) Truth commissions, memory, power and legitimacy. University of Pennsylvania Press, 328p.
- Conca K (2006) Environmental peacebuilding in war-torn societies. 47th Annual Convention of the ISA, San Diego
- Convention on Cluster Munitions (2008) 2688 UNTS 39, Dublin
- Convention on the Elimination of All Forms of Discrimination Against Women (1979) 1249 UNTS 13, New York

تعهد به بازسازی ضرورت ترمیم آسیب‌های مادی ناشی از جنگ مثل ساختن دوباره تأسیسات تصفیه، انتقال و توزیع آب، پاکسازی آب‌های آلوده از اثرات ناشی از جنگ و کمک به غیرنظامیان برای ادامه زندگی با استانداردهای مناسب را در برمی‌گیرد. ضرورت اعطای کمک بشردوستانه و فراهم کردن آب کافی و سالم برای حیات و معاش غیرنظامیان بر مبنای تعهد به اعاده وضع به حال سابق و اجرا و تضمین حقوق بشر، ارزیابی خسارت‌ها و مشکلات زیست محیطی ناشی از جنگ به منظور اجرای بهتر اصل منع آسیب به محیط زیست، همکاری برای رفع آن‌ها و پاکسازی منابع آبی از بقایای ناشی از سلاح‌های جنگی از جمله تعهدات دولت‌های طرف مخاصمه و نیز سازمان‌های بین‌المللی دولتی و غیردولتی و کشورهای ثالث در ارتباط با مسأله آب است که در منابع معاهداتی و عرفی، تعهداتی الزام‌آور را بر دولت‌ها بار می‌کنند. تعهد به پاسخگویی که هدف آن تضمین اجرای دقیق و مؤثر قواعد حمایت‌کننده از آب‌ها در حین مخاصمات مسلحانه از سوی دولت‌ها و افراد دخیل در جنگ مثل فرماندهان و سربازان و تشفی خاطر بزه‌دیدگان می‌باشد، از طریق نهاد مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها، مسئولیت کیفری افراد و نیز سازوکارهای حقوق بشری به مرحله اجرا درمی‌آید؛ زیرا نقض قواعد بین‌المللی حمایت‌کننده از آب‌ها در حقوق بشردوستانه و نیز عدم تأمین حق بر آب آشامیدنی سالم برای غیرنظامیان موجب مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها و یا مسئولیت کیفری مرتکبان این جرایم است و حتی در شرایطی می‌تواند در زمره جنایت‌های بین‌المللی جرم‌انگاری شود.

به این ترتیب، حقوق بین‌الملل در خصوص تعهدات دولت‌ها برای احیای و ترمیم منابع و تأسیسات آبی و جبران خسارات در دوره پس از مخاصمات مسلحانه، دچار خلأ نیست و اصول و مقررات گوناگون این نظام حقوقی، مانند اصول پایه‌ای همکاری، مسئولیت بین‌المللی و اصل بلاجبران نمودن خسارات ناروا و هم‌چنین برخی از قواعد حقوق بشر،

- genocide, *Bosnia and Herzegovina v. Serbia and Montenegro Merits*, Judgment.
- ICRC (1987), *Commentary (1987) To additional protocols of 8 June 1977 to the Geneva conventions of 12 August 1949*. Martinus Nijhoff Publisher, 1628p.
- ICRC (2009) *Water and war*, ICRC response. 21 p, Available at: www.icrc.org/en/doc/assets/files/other/icrc_002_0969.pdf, Accessed: 2019
- ICRC (2013) *Water and habitat, public health engineering during armed conflict: 1983-2013*, 82p, Available at: <https://www.icrc.org/en/publication/4123-water-and-habitat-public-health-engineering-during-armed-conflict-1983-2013>, Accessed: 2019
- ICTY (1995) *The prosecutor v. Dusko Tadić*. IT-94-1-AR72. Appeals Chamber, Decision
- ICTY (2000) *Kupreskic et al. Case No. IT-95-16-T*, Judgment.
- ILC (2001) *Draft articles on responsibility of states for internationally wrongful acts*, UN Doc. A/56/10
- ILC (2011) *Report of the international law commission in its sixty- session. Recommendation of the Working Group on the Long-Term Programme of Work*, UN Doc. A/66/10
- ILC (2019) *Second report on protection of the environment in relation to armed conflicts by Marja Lehto, Special Rapporteur*. UN Doc. A/CN. 4/728
- International Covenant on Civil and Political Rights (ICCPR)* (1966) 999 UNTS 171, New York
- International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights (ICESCR)* (1966) 993 UNTS 3, New York
- International Criminal Court* (2009) *Ahmad al bashir*. Pre-Trial Chamber, Case No. ICC-02/05-01/09-1
- Mashhadi A (2018) *Water and conflict: reflect on international rules on water protection in armed conflict*. MIS Law Journal 1:3-6 (In Persian)
- Mianabadi H (2016) *Preface: water and food security*. Iran-Water Resources Research 11(3):0-1 (In Persian)
- Peacebuilding Support Office (2010) *UN peacebuilding: an orientation*, 51p, Available at: https://www.un.org/peacebuilding/sites/www.un.org/peacebuilding/files/documents/peacebuilding_orientation.pdf
- Protocol Additional to the Geneva Conventions 1949, and Relating to the Protection of Victims of International Armed Conflicts (Protocol I)* (1977), 1125 UNTS 3, Geneva
- Convention on the Prohibition of the Development, Production, Stockpiling and Use of Chemical Weapons and on Their Destruction* (1993) 1975 UNTS 45, Geneva
- Convention on the Prohibition of the Use, Stockpiling, Production and Transfer of Anti-Personnel Mines and on Their Destruction* (1997) 2056 UNTS 211, Oslo
- Convention on the Rights of the Child* (1989) 1577 UNTS 3, New York
- Dolatyar M, Gray T (2000) *Water politics in the middle-east: A context for conflict or cooperation*. St.Martin s, 255p.
- Ebtekar M (2016) *The effects of war on the environment are quite evident*. Eighth Congress on Effects of War and Conflicts on the Environment, Available at: <http://www.doe.ir/portal/file/?680471/3pdf>, Accessed: 2020 (In Persian)
- General Assembly (2006) *Human rights council*. UN Doc. A/Res/60/251
- General Assembly (2008) *Optional protocol to the international covenant on economic, social and cultural rights*. UN Doc. A/Res/63/117
- Geneva Conventions* (1949) 75 UNTS 31, 85, 135, 287, Geneva
- Ghanei Ardakani J, Dehghani M (2018) *Environmental and medical geology impacts of the imposed Iraq war on Iran*. Fourth International Conference on Environmental Engineering with a focus on sustainable development, Tehran, 9p. Available at: https://www.civilica.com/Paper-EICONF04-EICONF04_070.html, Accessed:2020 (In Persian)
- Ghoreishy S Z, Mianabadi H, Mousavi Shafae S M (2019) *The role of power in water diplomacy*. Iran-Water Resources Research 15(2):242-264 (In Persian)
- Hague convention iv, *respecting the laws and customs of war on land and its annex: regulations concerning the laws and customs of War on Land* (1907) The Hague
- Human Rights Council (2006) *Report of the commission of inquiry on Lebanon pursuant to human rights council resolution S-2/1**. UN Doc. A/HRC/3/2
- Human Rights Council (2008) *Human rights and access to safe drinking water and sanitation*. UN Doc. A/HRC/7/22
- I.C.J. Reports (1986) *Military and paramilitary activities in and against Nicaragua (Nicaragua v. United States of America) Merits*, Judgment.
- I.C.J. Reports (2007) *Application of the convention on the prevention and punishment of the crime of*

- Tignino M (2016) Water during and after armed conflicts: what protection in international law? Brill, 114p.
- Timor-Leste Commission for Reception, Truth and Reconciliation (2005) Chega!. Available at: <http://www.etan.org/news/2006/cavr.htm>, Accessed: 2019
- UN Committee on Economic, Social and Cultural Rights (CESCR) (2003) General comment no. 15: the right to water (arts. 11 and 12 of the covenant). UN Doc. E/C.12/2002/11
- UN Office of the High Commissioner for Human Rights (OHCHR) (2010) The right to water. Fact Sheet No. 35
- UN Office of the High Commissioner for Human Rights (OHCHR) (2011) International legal protection of human rights in armed conflict. UN Doc. HR/PUB/11/01
- UN Office of the United Nations High Commissioner for Human Rights (OHCHR) (2006) Rule-of-law tools for post-conflict states: Truth commissions. UN Doc. HR/PUB/06/1
- UN Secretary-General (1992) An agenda for peace preventive diplomacy, peacemaking and peace-keeping. UN Doc. A/47/277-S/24111
- UNEP (2003) Desk study on the environment in Iraq. 98p, Available at: https://postconflict.unep.ch/publications/Iraq_DS.pdf, Accessed: 2019
- UNEP and United Nations Centre for Human Settlements (Habitat) (1999) The Kosovo conflict: Consequences for the environment and human settlements. 104 p, Available at: <http://www.grid.unep.ch/btf/final/finalreport.pdf>, Accessed: 2019
- United Nations Environment Programme (UNEP) (2019) Post-conflict and disaster management branch. Available at: <https://postconflict.unep.ch/about.php>, Accessed: 2019
- United Nations Human Rights, Office of the High Commissioner (2019) Human rights treaty bodies, Available at: <https://www.ohchr.org/EN/HRBodies/Pages/TreatyBodies.aspx>, Accessed: 2019
- Vienna Convention on the Law of Treaties (1969) UNTS. 1155, Vienna
- Weir D (2015) Environmental mechanisms: Re-imagining post-conflict environmental assistance. 91p, Available at: <https://ceobs.org/environmental-mechanics-re-imagining-post-conflict-environmental-assistance/>, Accessed: 2019
- Protocol on Prohibitions or Restrictions on the use of Mines, Booby-Traps and Other Devices as Amended on 3 May 1996 (Protocol II as Amended on 3 May 1996) Annexed to the Convention on Prohibitions or Restrictions on the Use of Certain Conventional Weapons Which May Be Deemed to Be Excessively Injurious or to Have Indiscriminate Effects 1980 (1996) 2048 UNTS 93, Geneva
- Robinson NA (2018) Environmental law: Is an obligation erga omnes emerging?. Panel Discussion at the United Nations, Conference Room 12:1-7
- Rome Statute of International Criminal Court (1998) 2187 UNTS 3, Rome
- Saed N (2004) Review of imposed war and security council resolution (598) in the light of the international Law. Journal of Defense Policy 47:45-73 (In Persian)
- Schaller C (2009) Towards an international legal framework for post-conflict peacebuilding. SWP Researcher Paper 3:1-21
- Security Council (1987) Resolution 598. UN Doc. S/RES/598
- Security Council (1991) Resolution 687. UN Doc. S/RES/687
- Sierra Leone Truth and Reconciliation Commission (2004) Witness to truth 2.
- Smith D (2011) Water, peace and security. International Alert, Available at: <http://www.international-alert.org/news/water-peace-and-security>, Accessed: 2019
- Stahn C (2008) Jus post bellum- towards a law of transition from conflict to peace. T.M.C. Asser Press, 320 p.
- Stoffels RA (2004) Legal regulation of humanitarian assistance in armed conflict: achievements and gaps. IRRC 86(855):515-546
- Swain A (2015) Water and post-conflict peacebuilding. Hydrological Sciences Journal: 1-21, Available at: <http://dx.doi.org/10.1080/02626667.2015.1081390>
- The Moroccan Equity and Reconciliation Commission (2005) Three-part summary of the final report. Available at: https://www.cndh.ma/sites/default/files/documents/rapport_final_mar_eng-3.pdf, Accessed: 2019
- Tignino M (2011) The right to water and sanitation in post-conflict peacebuilding. Water International 36(2):242-249